سی‌وسومین همایش بانکداری اسلامی: علل ناترازی بانک‌ها و راه‌های برون‌رفت از آن- هدایت اعتباری و رشد بدون تورم
۷ و ۸ شهریور ماه ۱۴۰۲، صص. ۲۸۹-۳۱۰

مرابحه پروژه‌ای به‌عنوان نسل جدید تسهیلات مرابحه: ماهیت، کارکرد و نقش آن در تأمین مالی تولید

حسین میثمی[۱]
راضیه آهنگر سله بنی[۲]

چکیده

قرارداد مرابحه یکی از عقود پُرکاربرد در شبکه بانکی کشور محسوب می‌شود که براساس ماده ۹۸ «قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران» به قانون عملیات بانکی بدون ربا اضافه شده است. عقد مرابحه تاکنون به‌طور عمده جهت تأمین مالی در سطح خُرد مورد استفاده بوده و کمتر در سطح کلان جهت تأمین مالی تولید مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. در حالی که ظرفیت‌های عقد مرابحه بسیار گسترده است و می‌تواند در سطح کلان نیز به‌عنوان یک روش تأمین مالی بخش حقیقی اقتصاد مورد استفاده قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این روش آن است که اشکالات موجود در عقود مشارکتی (مانند مشارکت مدنی) را ندارد که در حال حاضر به‌طور عمده برای تأمین مالی تولید مورد استفاده قرار می‌گیرند.

این تحقیق تلاش می‌کند تا مرابحه پروژه‌ای را به‌عنوان «نسل دوم کاربرد عقد مرابحه در شبکه بانکی کشور» مورد بحث قرار دهد و ابعاد آن را تبیین کند. پرسش تحقیق حاضر آن است که: ماهیت، کارکرد، مبانی فقهی و مدل عملیاتی مرابحه پروژه‌ای به‌عنوان الگوی جدید کاربرد عقد مرابحه در شبکه بانکی کدام است؟ و این عقد نسبت به مشارکت مدنی چه مزیت‌هایی در زمینه تأمین مالی تولید دارد؟ برای پاسخگویی به این پرسش از روش کتابخانه‌ای و همچنین تحلیل فقهی استفاده می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد عقد مرابحه پروژه‌ای به‌عنوان یک روش اجرایی جدید جهت کاربرد مرابحه در چهارچوب بانکداری اسلامی مورد تأیید فقه امامیه بوده و می‌تواند به‌صورت گسترده در شبکه بانکی برای تأمین مالی تولید و هدایت نقدینگی به‌سمت بخش حقیقی اقتصاد مورد استفاده قرار گیرد. همچنین، عقد مرابحه پروژه‌ای می‌تواند تا حد زیادی جایگزین عقود مشارکت مدنی، استصناع، مضاربه، فروش اقساطی و جعاله در حوزه تأمین مالی تولید باشد. توصیه سیاستی تحقیق حاضر آن است که الگوی مرابحه پروژه‌ای به‌عنوان یک روش جدید کاربرد عقد مرابحه، در قالب بخشنامه‌ای توسط بانک مرکزی تهیه شده و برای اجرا به شبکه بانکی ابلاغ شود.

واژه‌های کلیدی: مرابحه پروژه‌ای، مرابحه، مشارکت مدنی، تأمین مالی تولید، بانکداری اسلامی
JEL: G2, E5

---

[۱] مدیر اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی و دبیر و سخنگوی شورای فقهی، (نویسنده مسئول)؛ H.meysami@cbi.ir

[۲] کارشناس اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی؛ r.ahangar@cbi.ir

مقدمه

عقد مرابحه یکی از پُرکاربردترین عقود در متون روایی است که به‌دلیل سهولت به‌کارگیری، در حال حاضر در بسیاری از بانک‌های اسلامی (به‌ویژه در سایر کشورها) از این عقد استفاده می‌شود. به‌نحوی که برای مثال، ۹۵ درصد تسهیلات پرداختی به متقاضیان در برخی بانک‌های اسلامی بین‌المللی، صرفاً براساس عقد مرابحه است. (حسن[1] و دیگران: ۲۰۲۲، ص. ۵۴)

در نظام بانکی کشور، هر چند در گذشته استفاده از این عقد محدود بود، اما از مهرماه سال ۱۳۹۵ با اجرایی شدن طرح استفاده از کارت اعتباری مرابحه در شبکه بانکی کشور، استفاده از عقد مرابحه افزایش چشمگیری داشته و کارت اعتباری مرابحه در بسیاری از موارد برای پاسخگویی به نیازهای خُرد مورد استفاده قرار می‌گیرد. (موسویان و میثمی: ۱۴۰۰، ج. ۱، ص. ۳۱۷)

از سوی دیگر، اجرای ناصحیح و صوری عقود مشارکتی (به‌ویژه مشارکت مدنی) در تأمین مالی پروژه‌ها و طرح‌های اقتصادی، از چالش‌های قدیمی در شبکه بانکی کشور محسوب می‌شود که همواره مورد انتقاد فقها و اندیشمندان حوزه بانکداری اسلامی بوده است. در واقع، در موارد متعددی از پرونده‌های تسهیلاتی مرتبط با عقد مشارکت مدنی در زمینه تأمین مالی تولید، هدف بانک و مشتری صرفاً تأمین مالی با نرخ سود ثابت و از پیش تعیین شده است و این، مشکلِ اصلی و بنیادین در اجرای واقعی قراردادهای مشارکت مدنی محسوب می‌شود. (ذوالفقاری و دیگران: ۱۳۹۹، ص. ۱۳) بنابراین، به‌نظر می‌رسد استفاده از عقد مرابحه پروژه‌ای برای حل این چالش می‌تواند مورد تأکید قرار گیرد و همین موضوع نوآوری پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

با توجه به آنچه مطرح شد، به‌نظر می‌رسد عقد مرابحه می‌تواند جایگزین مناسبی برای دیگر عقود باشد و ماهیت ساده و غیرپیچیده این عقد سبب می‌شود تا از صوری‌سازی بسیاری از قراردادها جلوگیری به‌عمل آید. از این‌رو، استفاده از این عقد نه تنها در تسهیلات خُرد، بلکه در تسهیلات کلان نیز توصیه می‌شود.

این تحقیق می‌کوشد تا ضمن بررسی ابعاد فقهی عقد مرابحه و با استفاده از روش تحقیق مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل فقهی، ابعاد قرارداد مرابحه پروژه‌ای را به‌عنوان: «**نسل دوم کاربرد عقد مرابحه در شبکه بانکی کشور**» مورد بحث قرار دهد و جزئیات آن را تبیین کند. همچنین، در این پژوهش با عنایت به ظرفیت بالای مرابحه پروژه‌ای، این عقد به‌عنوان راهکاری برای جایگزینی

[1] Hassan

مشارکت مدنی در زمینه تأمین مالی تولید مطرح می‌شود. بر این اساس، پرسش‌های اصلی که در این تحقیق به آن‌ها پاسخ داده می‌شود عبارتند از:

الف- ماهیت، کارکرد، مبانی فقهی و مدل عملیاتی مرابحه پروژه‌ای به‌عنوان الگوی جدید کاربرد عقد مرابحه در شبکه بانکی کدام است؟

ب- در مقایسه تطبیقی، مرابحه پروژه‌ای چه مزیت‌هایی نسبت به‌مشارکت مدنی در زمینه تأمین مالی تولید دارد؟

ساختار پژوهش بدین‌صورت است که پس از این مقدمه، ماهیت عقد مرابحه بیان شده و سپس قرارداد مرابحه در شبکه بانکی شرح داده می‌شود و در ادامه، جایگاه عقد مرابحه در منابع اسلامی و محدودیت‌های موجود در کاربرد عقد مرابحه مورد بحث قرار می‌گیرد. در ادامه، انواع مرابحه از منظر حوزه کاربرد مورد بحث واقع شده و سپس مدل عملیاتی و برخی ویژگی‌های مرابحه پروژه‌ای برجسته می‌شود و مقایسه تطبیقی این عقد با مشارکت مدنی انجام می‌شود. بخش پایانی نیز به جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارایه توصیه‌های سیاستی اختصاص می‌یابد.

ماهیت‌شناسی عقد مرابحه

عقد مرابحه یکی از عقود پُرکاربرد مبادله‌ای و از انواع قرارداد بیع محسوب می‌شود. مقصود از مرابحه، بیعی است که فروشنده قیمت تمام شده کالا اعم از قیمت خرید، هزینه‌های حمل و نقل و نگهداری و سایر هزینه‌های مربوط را به اطلاع مشتری می‌رساند، سپس با افزودن مبلغ یا درصدی اضافی به‌عنوان سود، به خریدار می‌فروشد. برای مثال، اعلام می‌کند این کالا را به ده میلیون ریال خریده و حاضر است به دوازده میلیون ریال یا با بیست درصد سود به مشتری بفروشد. (موسویان: ۱۳۹۰، ص. ۱۴)

به‌لحاظ اجرایی و از یک منظر، مرابحه دارای دو نوع عادی و سفارشی است. در مرابحه عادی، فروشنده همانند یک تاجر، قبل از درخواست مشتری اقدام به خرید کالا کرده و وقتی مشتری مراجعه می‌کند، با احتساب سود معین کالا را به او می‌فروشد. اما در مرابحه سفارشی، فروشنده قبل از درخواست مشتری اقدام به خرید کالا نمی‌کند، بلکه ابتدا مشتری مراجعه کرده و تقاضای کالای خاصی را مطرح می‌کند و در ادامه بانک (همانند یک تاجر) به نمایندگی از مشتری نسبت به خرید آن کالا اقدام می‌کند و سپس با احتساب سود معین، کالا را به او می‌فروشد. شایان ذکر است که در اکثر موارد، کاربرد مرابحه در شبکه بانکی کشور از نوع مرابحه سفارشی است. (موسویان و میثمی: ۱۴۰۰، ص. ۲۹۵)

از منظر شیوه بازپرداخت بدهی، مرابحه می‌تواند به‌صورت نقد یا نسیه انجام گیرد و سود دریافتی آن نیز می‌تواند به‌صورت مبلغ مشخص یا درصد تعیین شود. همچنین، عقد مرابحه می‌تواند به‌شکل اصالتی یا به‌صورت وکالتی (وکالت به مشتری از سوی بانک) انجام گیرد. در واقع، یا بانک اصالتاً و مستقیماً کالای مدنظر مشتری را به‌صورت نقد خریداری می‌کند و سپس به مشتری می‌فروشد یا این‌که به مشتری وکالت می‌دهد از سوی بانک کالا را خریداری کند و سپس با در نظر گرفتن سود، از طرف بانک به خودش اقساطی بفروشد. (فراهانی‌فرد: ۱۳۹۱، ص. ۲۵)

مرابحه در شبکه بانکی

به‌لحاظ تاریخی، تا قبل از سال ۱۳۸۹ تنها نوع خاصی از قرارداد مرابحه، یعنی عقد فروش اقساطی براساس قانون عملیات بانکی بدون ربا مورد استفاده قرار می‌گرفت. اما با تصویب قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، قراردادهای مرابحه، بیع دِین و استصناع به فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا اضافه شد و به‌تدریج در شبکه بانکی مورد استفاده قرار گرفت. پس از تصویب قانون، آیین‌نامه مرتبط توسط هیئت وزیران به‌تصویب رسید که برخی از مواد مهم این آیین‌نامه عبارتند از:

- مرابحه، قراردادی است که به‌موجب آن، عرضه‌کننده، بهای تمام شده اموال و خدمات را به مشتری اطلاع داده و سپس با افزودن مبلغ یا درصدی اضافی تحت عنوان سود، آن را به‌صورت نقد یا نسیه دفعی یا اقساطی، با اقساط مساوی یا غیرمساوی در سررسید یا سررسید معین به متقاضی واگذار می‌کند.
- بانک‌ها می‌توانند با هدف رفع نیاز از واحدهای تولیدی، خدماتی و بازرگانی، همچنین برای تهیه مواد اولیه، لوازم یدکی، ابزار کار، ماشین‌آلات، تأسیسات، زمین و سایر کالاها و خدماتی که مورد نیاز این واحدها یا خانوارها برای تهیه مسکن، کالای بادوام مصرفی و خدمات به سفارش و درخواست متقاضی است، این اموال و خدمات را تهیه و تملک کرده و سپس آن را در قالب مرابحه به متقاضیان واگذار کنند.
- بانک‌ها مکلفند قبل از انعقاد قرارداد مرابحه، از قابل برگشت بودن اصل منابع و سود متعلقه در طول زمان قرارداد اطمینان حاصل کنند.
- اعطای تسهیلات در قالب مرابحه با عنایت به بهای تمام شده و سود بانک تعیین خواهد شد.

- بانک‌ها مکلفند تمهیدات لازم را برای استفاده از ابزارها و کارت‌های الکترونیکی در قالب مرابحه فراهم کنند.

جایگاه مرابحه در منابع اسلامی

هر چند در قرآن کریم عقد مرابحه همانند سایر انواع بیع مستقیماً مورد اشاره قرار نگرفته، اما با توجه به این‌که در کلام الهی عقد بیع به‌صورت کلی به‌عنوان جایگزین ربا مطرح شده، پس می‌توان مرابحه را نیز به‌عنوان یکی از مصادیق مشروع بیع در نظر گرفت. در این رابطه خداوند متعال در آیه ۲۷۵ سوره بقره می‌فرماید: «کسانی که ربا می‌خورند، [از گور] برنمی‌خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته‌سرش کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند: قرارداد بیع صرفاً مانند رباست و حال آن‌که خدا بیع را حلال و ربا را حرام گردانیده است. پس، هر کس اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید و [از رباخواری] باز ایستاد، آنچه گذشته، از آنِ اوست و کارش به خدا واگذار می‌شود و کسانی که [به‌رباخواری] بازگردند، آنان اهل آتش هستند و در آن ماندگار خواهند بود».

همان‌طور که عمده مفسرین مطرح کرده‌اند، در این آیه عقد بیع و انواع مجاز آن به‌عنوان جایگزین‌های ربا مطرح شده‌اند و بنابراین، تمامی انواع بیع در ذیل حکم کلی حلیت قرار می‌گیرند. این موضوع، عقد مرابحه را نیز شامل می‌شود و این مؤید جایگاه مستحکم و ویژه عقد بیع در اسلام است. (طباطبایی: ۱۴۱۷ ق.، ج. ۲، ص. ۲۳۶)

جایگاه مرابحه در روایات

عقد مرابحه علاوه بر تأیید کلی ذیل اصل قرآنی حلیت بیع و جایگزینی آن به‌جای ربای محرم، در روایات نیز به‌صورت گسترده مورد بحث قرار گرفته و روایات متعددی از ائمه معصومین در رابطه با روش‌های اجرای این عقد نقل شده است. به‌نحوی که مرابحه یکی از پُرکاربردترین عقود در متون روایی محسوب می‌شود. در واقع، در روایات مختلف مشروعیت اصل مرابحه و انواع روش‌های اجرای آن شامل مرابحه نقد و نسیه، مرابحه وکالتی، مرابحه با سود درصدی و غیره مورد تأکید واقع شده که در ادامه به‌برخی از مهم‌ترین روایات مرتبط با بحث مرابحه اشاره می‌شود.

محمدبن مسلم می‌گوید: «از امام باقر (ع) سؤال کردم در مورد مردی که نزد مرد دیگری آمده و می‌گوید کالایی برای من خریداری کن، شاید به‌صورت نقد یا نسیه از تو خریداری کنم. پس وی

کالا را به‌خاطر او خریداری می‌کند؟ امام (ع) فرمود: اشکالی ندارد. همانا از او خریداری می‌کند بعد از آنکه مالک شد». (عاملی: ۱۴۰۹ ق.، ج. ۱۸، ص. ۵۱)

در حدیث دیگری، اسماعیل‌بن خالق می‌گوید: «از امام کاظم (ع) در مورد معامله عینه سؤال کردم و گفتم، بسیاری از تجار ما امروزه معاملات عینه دارند و من برای شما توضیح می‌دهم که چکار می‌کنیم. امام (ع) فرمود: توضیح بده. گفتم معامله‌گری پیش ما می‌آید و کالایی را می‌خواهد. با هم گفت‌وگو می‌کنیم در حالی که ما کالا را نداریم. به ما می‌گوید: به تو سود می‌دهم ده به یازده و من می‌گویم ده به دوازده. با هم چانه می‌زنیم تا بر نرخی توافق می‌کنیم. پس از فراغ از تعیین سود، می‌پرسم چه کالایی را قصد داری تا برایت بخرم؟ ... امام (ع) فرمود: آیا مشتری اختیار دارد که اگر بخواهد خریداری نکند و شما هم اگر بخواهید نفروشید؟ گفتم: بله، چنین اختیاری وجود دارد. و اگر هم در این بین مال تلف شود، از مال ما تلف شده است. امام (ع) فرمود: اشکالی در این معامله نمی‌بینم». (عاملی: ۱۴۰۹ ق.، ج. ۱۸، ص. ۵۵)

عبدالحمید ابن سعد می‌گوید: «به امام کاظم (ع) گفتم: ما در معاملاتمان چنین می‌کنیم، چه بسا کسی سراغ ما می‌آید و قصد خرید کالایی دارد که ما نداریم. پس با او گفت‌وگو می‌کنیم و قبل از این‌که کالا را خریداری کنیم بر سر قیمت با او به توافق می‌رسیم. سپس کالا را خریداری می‌کنیم و به‌همان قیمتی که با هم توافق کرده بودیم به او می‌فروشیم، نه چیزی زیاد می‌کنیم و نه چیزی کم می‌کنیم. امام (ع) فرمود: اشکالی ندارد». (عاملی: ۱۴۱۳ ق.، ج. ۱۸، ص. ۵۲)

یحیی‌بن حجاج می‌گوید: «از امام صادق (ع) سؤال کردم در مورد مردی که به من می‌گوید این لباس یا این حیوان را برای من خریداری کن و به من بفروش و به تو اینقدر سود می‌دهم. امام (ع) فرمود: آن‌ها را خریداری کن و قبل از این‌که بیع را برای خودت ایجاب نکرده‌ای یا کالا را خریداری نکرده‌ای برای او ایجاب نکن؟». (عاملی: ۱۴۱۳ ق.، ج. ۱۸، ص. ۵۴)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، انواع شیوه‌های کاربرد مرابحه در منابع معتبر حدیثی امامیه مورد تأکید قرار گرفته است. به‌نحوی که در روایات متعدد (که عمده آن‌ها صحیحه است)، حضرات معصومین در رابطه با ابعاد مختلف عقد مرابحه مورد پرسش قرار گرفته و در پاسخ‌های ارایه شده، ویژگی‌های عقد مرابحه صحیح و شرعی مورد بحث قرار گرفته است.

جایگاه مرابحه در فقه

بررسی‌های صورت گرفته از منابع و کتب فقهی برجسته نشان می‌دهد که در مباحث فقه امامیه بحث در رابطه با بیع مرابحه به‌صورت گسترده بوده و از سابقه‌ای بسیار طولانی برخوردار است. آنچه از مجموع متون فقهی در رابطه با بیع مرابحه می‌توان استخراج کرد و آن را مبنای طراحی الگوهای عملیاتی مرابحه پروژه‌ای قرار داد، دست‌کم شامل موارد زیر است. (نجفی: ۱۴۱۷ ق.، ج. ۳، ص. ۳۱)

الف- انجام دادن بیع مرابحه به‌صورت نقدی یا نسیه، صحیح است.

ب- نرخ سودِ مبلغی یا درصدی در قرارداد مرابحه صحیح است. (در برخی از منابع فقهی بر کراهت اعلام نرخ مرابحه به‌صورت درصدی تأکید شده است).

پ- بیع مرابحه می‌تواند به‌صورت مستقیم و اصالتی یا به‌صورت وکالتی باشد.

ت- لازم است ابتدا کالایی خریداری، سپس به مشتری فروخته شود. یعنی در اقتصاد حقیقی باید پدیده‌ای رخ دهد.

ث- تمامی معاملات مبتنی بر بیع مرابحه با رعایت برخی ضوابط صحیح است.

ج- لازم است قرارداد مرابحه و فروش کالا به مشتری، پس از خرید بایع و تملک او بر کالا واقع شود و فروش قبل از خرید صحیح نیست.

چ- چنانچه بایع در بیان قیمت خرید یا هزینه‌های مرتبط خلاف واقع بگوید، مشتری خیار فسخ (اختیار فسخ) پیدا می‌کند.

ح- اگر کالا قبل از قبض به‌وسیله مشتری تلف شود، از مال فروشنده تلف شده و فروشنده مسئول هزینه‌های مرتبط است. (هر نوع تلف مبیع قبل از قبض، به‌عهده بایع است.)

علاوه بر آنچه مطرح شد، یکی از مسائل فقهی مهم در رابطه با عقد مرابحه، قلمرو یا شمول این قرارداد است. در واقع در حالی که شمول این قرارداد نسبت به انتقال اعیان مسلم است، شمول آن نسبت به فروش منافع و خدمات (که میان عرف به‌صورت بیع مطرح است)، از دیدگاه فقیهان شیعه محل اختلاف است. (دبیان و موسویان: ۱۳۹۲، ص.۱۸۷)

بنابراین، گروهی از فقها استفاده عرف از لفظ بیع را در انتقال خدمات یا منافع (مثلاً بیع بلیت هواپیما)، حمل بر تسامح می‌کنند و معتقدند مقصود واقعی عرف، انتقال منافع در قالب قراردادهایی چون اجاره، جعاله یا مصالحه است ولی به‌صورت سهوی از کلمه بیع استفاده می‌شود. علمایی مانند شیخ انصاری، صاحب جواهر و آیت‌الله خویی تقریباً بر این عقیده هستند. در مقابل، برخی دیگر از فقیهان همچون امام خمینی (ره)، آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله مکارم شیرازی، عین بودن مورد معامله

در عقد بیع را لازم نمی‌دانند و بر این باورند که می‌توان منافع و خدمات را نیز در قالب قرارداد بیع منتقل کرد. (مکارم شیرازی: ۱۴۱۳ ق.، ج. ۱، ص. ۲۱)

راه‌حلی که برای این مشکل و رسیدن به توافق فقهی می‌توان به‌کار برد، استفاده از عقد صلح است. به این معنا که مراکز خدماتی به‌صورت نقدی خدمات خود را در قالب عقد صلح به بانک واگذار می‌کنند. در ادامه، بانک آن خدمات را براساس عقد صلح مرابحه‌ای و با قیمتی بالاتر به خریدار تملیک می‌کند و مشتری از آن خدمات استفاده می‌کند. فقهای شیعه بر این اعتقادند که قرارداد صلح، قراردادی لازم است و موضوع آن اعم از اعیان، منافع و حقوق است و شامل همه خدماتی می‌شود که ارزش مالی دارند. (تسخیری: ۱۳۷۹، ص. ۲۱)

همچنین، از دیگر موضوعات فقهی دارای اهمیت در رابطه با عقد مرابحه، می‌توان به «انعطاف در بازپرداخت» به‌عنوان ویژگی مهم این عقد اشاره کرد. از منظر مسائل فقهی برای عقد مرابحه هیچ‌گونه محدودیت یا ضابطه‌ای در «شیوه پرداخت ثمن» وجود ندارد. بنابراین، شیوه پرداخت ثمن معامله (اصل و سود)، موضوعی توافقی بین طرفین معامله بوده و محدودیتی در رابطه با آن وجود ندارد. (انصاری: ۱۴۰۶ ق.، ج. ۳، ص. ۳۶۷)

این امر سبب می‌شود تا مشتری بتواند براساس استطاعت خود نسبت به بازپرداخت بدهی اقدام کند و این از تمدیدهای مکرر جلوگیری به‌عمل می‌آورد و سبب متناسب‌سازی «برنامه بازپرداخت بانک» با «برنامه درآمدزایی پروژه» می‌شود. بر مثالای، توافقی بین بانک و مشتری صورت می‌گیرد که طی آن در طول دوره اجرای پروژه که هنوز طرح به مرحله درآمدزایی نرسیده، صرفاً سود تسهیلات بازپرداخت شود. اما پس از رسیدن پروژه به مرحله بهره‌برداری، فروش و درآمدزایی، اصل تسهیلات به‌صورت دفعی یا اقساطی، توسط مشتری به بانک بازپرداخت شود. (میثمی و ملاکریمی: ۱۳۹۹، ص. ۲۳)

جمع‌بندی بحث فقهی مرابحه آن است که این عقد یکی از عقود مسلم به‌لحاظ شرعی محسوب می‌شود و همان‌طور که در روایات مورد بحث قرار گرفته، در دیدگاه فقها هم در رابطه با اصل مشروعیت آن اتفاق‌نظر مشاهده می‌شود. همچنین، نکته قابل‌توجه در رابطه با عقد مرابحه، بین‌المللی بودن آن است. به این معنی که این قرارداد علاوه بر فقه امامیه از منظر مذاهب فقهی چهارگانه اهل سنت نیز مورد تأیید است. (میثمی و قلی‌پور: ۲۰۲۰، ص. ۱۵)

محدودیت‌های کاربرد مرابحه

هر چند عقد مرابحه دارای ظرفیت بسیار بالایی است و سبب انعطاف در قرارداد می‌شود، اما دارای محدودیت‌های شرعی مشخصی نیز هست که لازم است به آن‌ها توجه ویژه‌ای شود. از محدودیت‌های پیش‌روی مرابحه پروژه‌ای می‌توان به‌موارد زیر اشاره کرد:

الف- اعتبار تخصیص داده شده تحت عنوان مرابحه نمی‌تواند به «وجه نقد» تبدیل شده و از آن برای پوشش سایر نیازهای مشتری استفاده شود و صرفاً باید در جهت موضوع خرید کالاها و خدمات، مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

ب- تسهیلات‌گیرنده نمی‌تواند از این قرارداد برای «تسویه بدهی‌های گذشته» خود استفاده کند. بدین‌معنا که تسهیلات حاصل از عقد مرابحه نمی‌تواند مثلاً برای تسویه چک‌های مرتبط با معاملات قبلی مورد استفاده قرار گیرد یا از آن به‌عنوان مبلغ قرض‌الحسنه (رهن) در قراردادهای اجاره استفاده شود.

پ- مشتری نمی‌تواند از منابع حاصل از قرارداد مرابحه برای «سپرده‌گذاری در بانک‌ها و کسب سود» استفاده کند و لازم است آن را در موضوع مرابحه به‌کار گیرد.

ت- در عقد مرابحه مجاز نیست تا از تأمین مالی برای «قرض و هبه به سایر اشخاص» استفاده شود و این امر از نظر شرعی مورد اشکال است.

ث- در عقد مرابحه به‌دلیل آن‌که هم‌زمان با امضای قرارداد بدهی شکل می‌گیرد، از بین سه روش متعارف برای استمهال بانکی شامل «تمدید»، «تجدید» و «تبدیل»، صرفاً دو روش تجدید و تبدیل امکان استفاده دارد. اما استفاده از روش تمدید به‌دلیل شبهه ربای جاهلی، امکانپذیر نیست. (بنابراین، تمدید بدهی حاصل از عقد مرابحه در سررسید همراه با فعال بودن عنصر شناسایی سود، امکان‌پذیر نبوده و این موضوع با شبهه ربا مواجه است.) این در حالی است که در عقد مشارکت مدنی، استفاده از هر سه روش تمدید، تجدید و تبدیل امکان‌پذیر است.[۱]

---

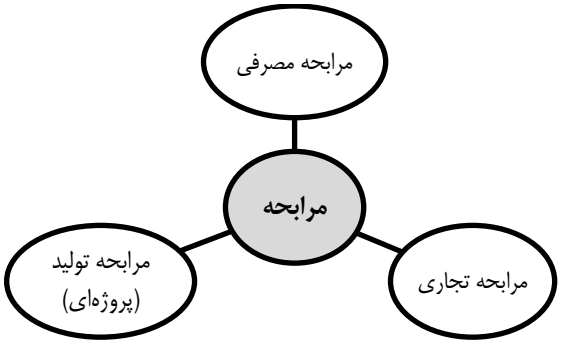
[۱] شایان ذکر است که موارد مرتبط با امهال مطالبات در شبکه بانکی براساس روش‌های شرعی، در دستورالعمل شماره ۹۸/۲۱۲۶۸۱ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۶ معاونت نظارت بانک مرکزی مطرح شده است.

انواع مرابحه از جهت حوزه کاربرد

عقد مرابحه به‌لحاظ ساده‌سازی فرایند بانکداری و کاهش هزینه می‌تواند نقش مؤثری در تخصیص منابع داشته باشد. این عقد همچنین، جایگزین مناسبی برای عقودی مانند مشارکت مدنی، استصناع، مضاربه، فروش اقساطی و جعاله محسوب شده و می‌تواند سبب تسهیل تأمین مالی مشتری شود.

به‌لحاظ حوزه کاربرد نیز عقد مرابحه از ظرفیت‌های گسترده‌ای برای استفاده در بخش‌های مختلف اقتصادی برخوردار است و می‌تواند نیازهای گوناگون اشخاص فعال در این کسب‌وکارها را پوشش دهد. همچنین، عقد مرابحه می‌تواند در سطح خُرد عمدتاً برای پاسخگویی به نیازهای اشخاص حقیقی، در سطح متوسط برای پاسخگویی به کسب‌وکارها (SME)[1] و در سطح کلان برای تأمین مالی پروژه‌ها و تولید مورد استفاده قرار گیرد. (موسویان و میثمی: ۱۴۰۰، ص. ۲۹۵) براساس توضیحات بالا، انواع مرابحه در شکل شماره (۱) ذکر شده که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.

شکل شماره ۱: انواع مرابحه از منظر کاربرد



مرابحه مصرفی

می‌توان از عقد مرابحه برای خرید کلیه کالاهای واسطه‌ای و مصرفی استفاده کرد. بدین‌معنی که کلیه نیازهای خانوار و حتی بنگاه‌ها به کالاها را می‌توان با استفاده از عقد مرابحه تأمین مالی کرد. به بیان دیگر، در عقد مرابحه در مواردی که مشتری تمایل به خرید مایحتاج مصرفی یا واسطه‌ای (شامل ابزارآلات کار، تهیه مواد اولیه و غیره) داشته باشد، به‌سادگی می‌تواند از طریق این عقد تأمین مالی شده و نیازهای مصرفی خویش را برطرف سازد.

[1] Small and Medium Enterprises

مرابحه تجاری

در قراردادهای مربوط به تجارت و کسب و کار، عقد مرابحه می‌تواند جایگزین مناسبی برای عقود دیگری مانند مضاربه شود و از آن در امور تجاری و خرید و فروش استفاده شود. این امر به نزدیک شدن نیت مشتری و بانک برای رسیدن به اهدافشان کمک کرده و از صوری‌سازی قراردادها جلوگیری می‌کند. در حال حاضر، بسیاری از قراردادهای مضاربه (و همچنین جعاله) در شبکه بانکی به‌صورت صوری و غیرواقعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. (موسویان و میثمی: ۱۴۰۰، ص. ۵۹۴)

نکته قابل تأمل آن است که استفاده از عقد مرابحه تجاری برای پرداخت تسهیلات، اختیار عمل بالاتری به مشتریِ تاجر می‌دهد. چرا که می‌تواند از تسهیلات مرابحه تجاری برای پوشش کلیه نیازهای خود در حوزه تجارت استفاده کند. این امر سبب واقعی‌تر شدن قراردادها در شبکه بانکی کشور می‌شود.

مرابحه پروژه‌ای (تولیدی)

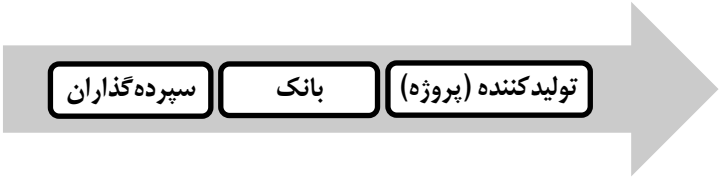
هدف از این مدل مرابحه (که محور پژوهش حاضر نیز هست) تأمین اعتبار برای پروژه‌های تولیدی است. با عنایت به سهولت به‌کارگیری عقد مرابحه در مقایسه با دیگر عقود (به‌ویژه عقود مشارکتی)، بسیاری از مواردی که در حال حاضر براساس سایر عقود و به شیوه‌ای شبهه‌آلود تأمین مالی می‌شود، می‌تواند با استفاده از قرارداد مرابحه پروژه‌ای به شیوه‌ای مشروع انجام گیرد. این امر نفعی دوطرفه برای بانک و مشتری دارد و قطعاً نقش بسزایی در حمایت از تولید نیز برعهده خواهد داشت. در حال حاضر، اگر چه در بسیاری از پروژه‌های کلان از سرمایه‌گذاری مستقیم یا مشارکت مدنی استفاده می‌شود، اما با عنایت به مراحل و ضوابط بسیار پیچیده این عقود، می‌توان از قرارداد مرابحه پروژه‌ای به‌عنوان جایگزینی مناسب برای آن‌ها استفاده کرد.

مدل عملیاتی مرابحه پروژه‌ای (تولیدی)

مرابحه پروژه‌ای (تولیدی) نسل جدید کاربرد عقد مرابحه است که می‌توان از آن در جهت تأمین مالی تولید بهره برد. با بهره‌گیری از این قرارداد می‌توان استفاده از عقد مشارکت مدنی را صرفاً به موارد خاص و پروژه‌های با کیفیت بالا محدود کرد که امکان اجرای صحیح مشارکت مدنی در مورد آن‌ها فراهم باشد. به بیان دیگر، بهتر است از مرابحه پروژه‌ای برای تأمین مالی بخش عمده‌ای از نیازهای تولیدی استفاده کرد که هدف طرفین تأمین مالی با نرخ سود ثابت و از پیش تعیین شده است و مشارکت مدنی را صرفاً به موارد خاصی اختصاص داد که بانک و مشتری حقیقتاً نیت مشارکت در

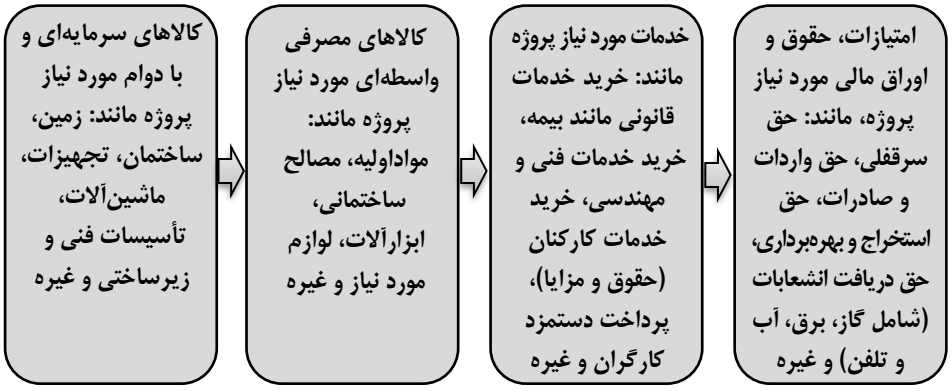
سود و زیان دارند. براساس این قرارداد، بانک از یک طرف نسبت به تجهیز سپرده‌ها از عموم سپرده‌گذاران اقدام کرده و از سوی دیگر، نسبت به پرداخت منابع در قالب مرابحه پروژه‌ای –یا به‌صورت تسهیلات مرابحه پروژه‌ای یا کارت اعتباری مرابحه پروژه‌ای– اقدام می‌ورزد. واسطه‌گری بانک در مرابحه پروژه‌ای در شکل شماره (۲) نشان داده شده است.

شکل شماره ۲: الگوی مرابحه پروژه‌ای



با عنایت به آنچه مطرح شد، می‌توان «مرابحه پروژه‌ای (تولیدی)» را کاربردی نوین از مفهوم مرابحه در نظر گرفت که در بانک‌های اسلامی سایر کشورها نیز به‌صورت گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد. (مغربی و میرآخور[1]: ۲۰۱۵، ص. ۱۸) در واقع، «مرابحه پروژه‌ای» مدل عملیاتی جدیدی از عقد مرابحه است که در آن تسهیلات‌گیرنده می‌تواند از این قرارداد برای نیازهای مختلف خود استفاده کند. قلمرو موضوعی گسترده عقد مرابحه در فقه اسلامی (کالاها، خدمات، منافع و حقوق) امکان پاسخگویی به‌عمده نیازها را فراهم می‌کند. در شکل شماره (۳)، ظرفیت‌های عقد مرابحه پروژه‌ای مورد تأکید قرار گرفته است.

شکل شماره ۳: قلمرو و کاربرد مرابحه پروژه‌ای برای پوشش نیازها



[1] Maghrebi and Mirakhor

همان‌طور که در شکل شماره (۳) ذکر شده، عقد مرابحه از منظر کاربرد قلمرو وسیعی دارد و این ظرفیت قطعاً در عقود دیگر به این میزان موجود نیست. بنابراین، استفاده صحیح و شرعی از اعتبار تخصیص‌یافته به این عقد، ساده‌تر از عقود دیگر مانند مشارکت مدنی است. این مزیت خاصی است که در عقد مرابحه و در گام بعدی در مرابحه پروژه‌ای دیده می‌شود و نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

به‌لحاظ عملیاتی، شیوه کار در مرابحه پروژه‌ای یا مرابحه برای تولید به این صورت است که در ابتدا تفاهم‌نامه کلی تحت عنوان مرابحه پروژه‌ای (در قالب قراردادی الزام‌آور) بین بانک و مشتری منعقد می‌شود. سپس، تسهیلات به‌صورت مرحله‌ای (مثلاً در قالب کارت اعتباری مرابحه پروژه‌ای) به مشتری تخصیص می‌یابد. به این معنا که اساساً مرابحه پروژه‌ای چون برای تسهیلات کلان در نظر گرفته شده، با انعقاد تفاهم‌نامه کلی اجرایی شده و در زیرمجموعه آن با به‌کارگیری کارت اعتباری مرابحه برای مراحل مختلف، مشتری تأمین مالی می‌شود.

به‌بیان دیگر، در هر مرحله متناسب با پیشرفت پروژه، کارت اعتباری توسط بانک شارژ می‌شود و از این منابع برای تأمین مالی موضوع قرارداد استفاده می‌شود. می‌توان از نگاهی دیگر، مدل عملیاتی مرابحه پروژه‌ای را به این صورت تصور کرد که مجموعه‌ای از تسهیلات مرابحه خُرد به‌صورت پیوسته و تحت یک قرارداد کلی بین بانک و مشتری پرداخت می‌شوند.

برای شفاف‌سازی مدل عملیاتی مرابحه پروژه‌ای می‌توان آن را در یک مثال خاص تبیین کرد. مثلاً فرض کرد که بانک قصد دارد یک پروژه احداث ساختمان ده طبقه‌ای را تأمین مالی کند و می‌خواهد این کار را در چهار مرحله (شامل مرحله اول خرید زمین و دریافت مجوزها[۱]، مرحله دوم خرید میلگرد، مصالح مورد نیاز برای احداث و سفت‌کاری و فونداسیون، مرحله سوم انجام دادن امور تأسیسات ساختمان و مرحله چهارم انجام دادن امور نازک‌کاری) انجام دهد. در اینجا بانک می‌تواند از ظرفیت بالای عقد مرابحه پروژه‌ای برای تأمین مالی تمامی مراحل ذکر شده استفاده کند. این موضوع در شکل شماره (۴) نشان داده شده است.

برخی ویژگی‌های مرابحه پروژه‌ای

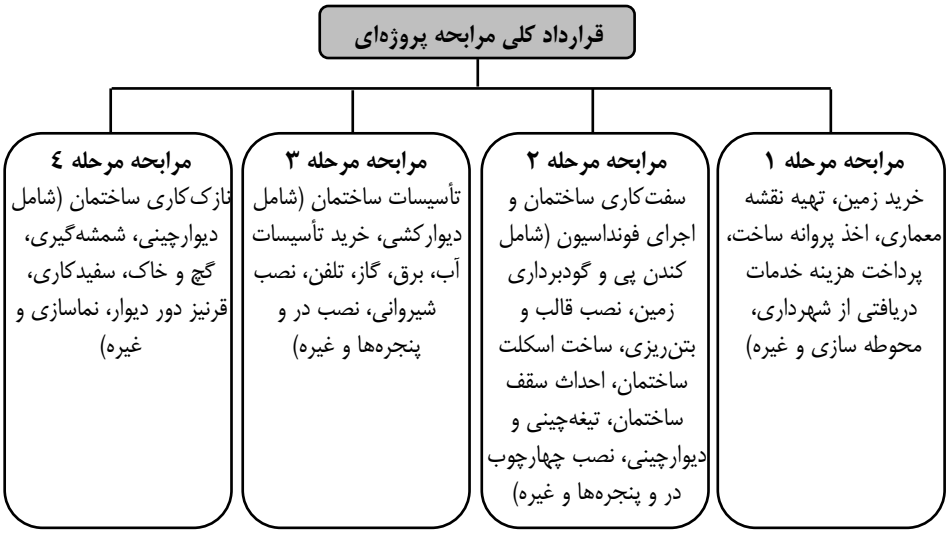
همان‌طور که قبلاً مطرح شد، به‌لحاظ ماهیت، مرابحه پروژه‌ای دارای ویژگی‌های مهمی است که سبب می‌شود ظرفیت کاربردی این عقد به‌میزان قابل‌توجهی بالاتر از عقود دیگر باشد. بدین‌معنا که

---

[۱] دریافت مجوزها نوعی خدمت است که توسط نهادهای ذی‌ربط مانند شهرداری ارایه می‌شود. البته، این نوع خدمات از نوع «خدمات اختصاصی» نهادهای مرتبط بوده و در قبال درخواست ذی‌نفعان و پرداخت هزینه انجام می‌گیرد. بنابراین، این نوع خدمات اختصاصی با خدمات عمومی نهادهای مذکور که شامل عموم مردم می‌شود، تفاوت دارد.

هم به‌لحاظ تنوع موضوعاتی که مشمول عقد مرابحه پروژه‌ای است و هم به‌لحاظ پایین بودن هزینه‌های مبادلاتی در این عقد، امکان استفاده از آن در شبکه بانکی قابل‌توجه است. در ادامه به‌برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های مرابحه پروژه‌ای اشاره می‌شود.

شکل شماره ٤: مدل عملیاتی مرابحه پروژه‌ای در موضوع احداث ساختمان

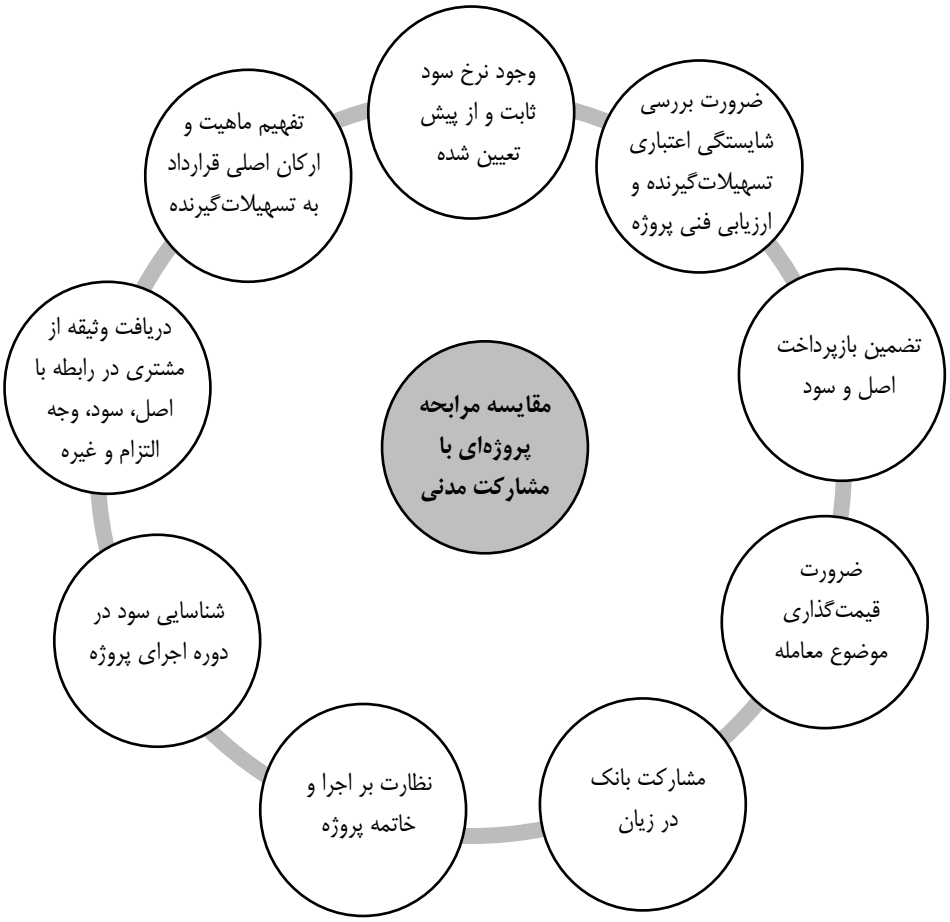


- به‌لحاظ موضوعی، ظرفیت کاربرد مرابحه پروژه‌ای بسیار گسترده است از قبیل خرید کالا، خدمات، منافع، حقوق، امتیازات و غیره.
- با توجه به‌گستردگی کارکرد، این قرارداد می‌تواند با تأمین اعتبار پروژه‌های اقتصادی، در حمایت از تولید نقش بسزایی داشته باشد.
- با عنایت به‌انعطاف بالای مرابحه پروژه‌ای، این عقد جایگزین مناسبی برای سایر قراردادها نظیر مشارکت مدنی است و بسیاری از شبهات موجود در قراردادهای مشارکت مدنی را برطرف می‌سازد. همچنین، مرابحه پروژه‌ای می‌تواند در بسیاری از موارد که به‌لحاظ شرعی برای تأمین مالی از طریق عقد مشارکت قابل توصیه نیستند، کاربردی شود. به‌بیان دیگر، در موقعیتی که هدف بانک و مشتری در یک پروژه اقتصادی صرفاً تأمین مالی با نرخ سود ثابت و از پیش تعیین‌شده باشد (با حداقل ریسک)، مرابحه پروژه‌ای بهترین گزینه از منظر انطباق با شریعت محسوب می‌شود.

مقایسه تطبیقی مرابحه پروژه‌ای با عقد مشارکت مدنی

همان‌طور که پیش از این مطرح شد، یکی از ظرفیت‌های مهم عقد مرابحه پروژه‌ای، به قابلیت این قرارداد برای جایگزینی عقود مشارکتی، به‌ویژه عقد مشارکت مدنی، بازمی‌گردد. به‌بیان دیگر، ظرفیت‌های فقهی قرارداد مرابحه به اندازه‌ای است که می‌تواند به‌عنوان قالب حقوقی جایگزین، در اکثر پرونده‌های تسهیلاتی مورد استفاده قرار گیرد که معمولاً و براساس عرف رایج در شبکه بانکی، با استفاده از عقد مشارکت مدنی تأمین مالی می‌شوند. در شکل شماره (۵)، مقایسه تطبیقی مرابحه پروژه‌ای با عقد مشارکت مدنی، در ۹ محور بیان شده است.

شکل شماره ۵: مقایسه مرابحه پروژه‌ای با مشارکت مدنی



وجود نرخ ثابت و از پیش تعیین شده

بی‌شک، اصلی‌ترین مزیتی که عقد مرابحه پروژه‌ای نسبت به مشارکت مدنی دارد، وجود نرخ سود ثابت از پیش تعیین شده است. بدین‌معنی که برخلاف عقد مشارکت مدنی که امکان تعیین نرخ سود در آن از ابتدا وجود ندارد، در عقد مرابحه پروژه‌ای می‌توان از ابتدا نرخ سود را به‌صورت قطعی تعیین کرد. همچنین، در مرابحه پروژه‌ای هم‌زمان با امضای قرارداد و خرید کالاها و خدمات، تملیک اتفاق افتاده و مشتری به بانک بدهکار می‌شود. این در حالی است که مشارکت مدنی از عقود اذنی بوده و اساساً مشتری بعد از قرارداد، به‌لحاظ شرعی به بانک بدهکار نیست و صرفاً به‌عنوان امین و مأذون از طرف بانک، اذن تصرف دارد.

ضرورت بررسی شایستگی اعتباری تسهیلات‌گیرنده و ارزیابی فنی پروژه

در شبکه بانکی کشور، اعتبارسنجی مشتری و ارزیابی فنی پروژه‌های مبنای مشارکت مدنی، معمولاً با دید انجام دادن شراکت واقعی (با رعایت ضوابط شریعت از قبیل مشارکت در زیان بین بانک و مشتری) صورت نمی‌پذیرد، بلکه هدف از بررسی حداقلی که توسط بانک انجام می‌شود، تضمین بازگشت اصل منابع به‌همراه سود مورد انتظار است. اما در مرابحه پروژه‌ای اساساً نیازی به ارزیابی فنی پروژه وجود ندارد و صرفاً شایستگی اعتباری تسهیلات‌گیرنده مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین، مرابحه پروژه‌ای به‌صورت ذاتی به ارزیابی اولیه کمتری نیاز دارد و این سبب کاهش هزینه‌ها و زمان پرداخت تسهیلات به‌مشتری می‌شود.

تفهیم ماهیت و ارکان اصلی قرارداد به تسهیلات‌گیرنده

بررسی کاربرد قرارداد مشارکت مدنی در شبکه بانکی کشور به‌خوبی نشان می‌دهد که در این قرارداد، تفهیم تسهیلات‌گیرنده در رابطه با ماهیت مشارکتی این عقد به‌شیوه صحیح اتفاق نمی‌افتد و متقابلاً مشتری نیز صرفاً نیت دریافت منابع با نرخ سود ثابت و از پیش تعیین شده را دارد و به هیچ عنوان بانک را در سود یا زیان، شریک خود در نظر نمی‌گیرد. بنابراین، قصد و فهمی که مشتری از قرارداد مشارکت دارد، با ماهیت فقهی و حقوقی این عقد فاصله دارد. در حالی که در قرارداد مرابحه، تفهیم ماهیت عقد و ارکان اصلی آن به‌مشتری بسیار ساده بوده و به‌شیوه راحت‌تری قابل انجام دادن است.

دریافت وثیقه از مشتری در رابطه با اصل، سود، وجه التزام و غیره

اساساً ماهیت و ذات عقد مشارکت مدنی مبتنی بر شراکت بانک و تسهیلات‌گیرنده است و در نتیجه، مشتری با امضای قرارداد، به بانک بدهکار نمی‌شود که بانک برای تضمین بازپرداخت بدهی، نسبت به دریافت وثیقه از مشتری اقدام کند. اما در قرارداد مرابحه پروژه‌ای، هم‌زمان با امضای قرارداد و خرید کالاها و خدمات، مشتری در رابطه با اصل و سود، به بانک بدهکار شده و امکان دریافت وثیقه در رابطه با اصل و سود به‌شیوه مناسب‌تری فراهم خواهد شد.

تضمین بازپرداخت اصل و سود

در عقد مشارکت مدنی حداکثر می‌توان مشتری را در رابطه با اصل تسهیلات دریافتی ضامن در نظر گرفت و در نتیجه، تضمین سود مورد انتظار و وجه التزام، خلاف ماهیت، ذات یا مُطلق عقد مشارکت مدنی بوده و باطل است. حتی ایجاد این ضمانت در قالب حقوقی صلح (به‌تعبیر بانکی عقد خارج لازم) نیز امکان‌پذیر نبوده و شبهه صلح ربوی در اینجا مطرح می‌شود. (مصباحی مقدم و نعمتی: ۱۳۹۷، ص. ۱۶) همچنین، از منظر عامه مردم، عقد مشارکت مدنی اگر به‌گونه‌ای باشد که براساس آن مشتری ضامن اصل، سود و وجه التزام شود، مشارکت واقعی به‌حساب نمی‌آید و در واقع به یک قرارداد تأمین مالی با نرخ سود ثابت و از پیش تعیین شده تبدیل شده که صرفاً اسم مشارکت را به‌همراه دارد. این در حالی است که در عقد مرابحه پروژه‌ای، هم‌زمان با امضای قرارداد و انجام دادن خرید، مشتری بدهکار اصل و سود می‌شود و در نتیجه، می‌تواند به‌لحاظ شرعی نسبت به بازپرداخت هر دوی آن‌ها به بانک تضمین ارایه دهد.

ضرورت قیمت‌گذاری موضوع معامله

در قرارداد مشارکت مدنی به‌صورت طبیعی لازم است که پروژه مبنای مشارکت بین بانک و مشتری به‌صورت دوره‌ای یا در انتهای کار توسط کارشناسان مورد توافق، قیمت‌گذاری شود تا سود هر یک از طرفین مشخص شود. با این حال، بررسی میدانی اجرای عقد مشارکت مدنی در شبکه بانکی به‌خوبی نشان می‌دهد که سیستمِ نرم‌افزاری و حسابداری بانک به‌نحوی تنظیم شده که صرفاً بازپرداخت اصل و سود مورد انتظار را تضمین کند و در این چهارچوب طبعاً قیمت‌گذاری پروژه توسط کارشناس مورد توافق بانک و مشتری، موضوعیتی نخواهد داشت. (نظرپور و ملاکریمی: ۱۳۹۷، ص. ۸۸) اما ماهیت مرابحه پروژه‌ای به‌نحوی است که اساساً نیازی به‌قیمت‌گذاری مورد معامله توسط کارشناسان مورد توافق طرفین وجود ندارد و این به ساده‌سازی قرارداد و کاهش هزینه‌های اجرای آن کمک شایانی می‌کند.

مشارکت بانک در زیان

عموماً در قراردادهای مشارکت مدنی، مشتری نسبت به تحمل زیان[۱] موظف شده و بانک هیچ‌گونه وظیفه‌ای نسبت به پوشش زیان برای خود در نظر نمی‌گیرد. حتی در مواردی که ایجاد زیان ناشی از قوه قاهره و عواملی مانند تحریم باشد (که مشتری در آن هیچ‌گونه قصور یا تقصیری ندارد)، باز هم بانک هیچ بخشی از زیان پروژه را برعهده نمی‌گیرد. این در حالی است که هر چند در بانک‌های اسلامی سایر کشورها، استفاده از عقد مشارکت بسیار محدود است و به موارد خاص و استثنائی اختصاص دارد که بانک از سوددهی پروژه اطمینان بالایی دارد، اما در این موارد اگر مشتری ثابت کند که پروژه حقیقتاً با زیان مواجه شده و این زیان به‌دلیل قصور یا تقصیر مشتری نبوده، بانک اسلامی در زیان مشارکت خواهد کرد. (چادهاری[۲]: ۲۰۲۱، ص. ۱۶۸) این در حالی است که در عقد مرابحه پروژه‌ای، اساساً ضرورتی در رابطه با مشارکت کردن بانک با مشتری در سود یا زیان وجود ندارد. چرا که این قرارداد، عقدی با نرخ سود ثابت و از پیش تعیین شده بوده و مازادی که بانک دریافت خواهد کرد، از ابتدا کاملاً مشخص است.

نظارت بر اجرا و خاتمه پروژه

بررسی میدانی اجرای عقد مشارکت مدنی در شبکه بانکی کشور به‌خوبی نشان می‌دهد که با وجود تعیین ناظر داخلی و بیرونی توسط بانک در رابطه با هر پروژه، همچنان این نظارت به‌شیوه صحیح و شرعی انجام نمی‌شود. در واقع، هدف از نظارت داخلی و بیرونی توسط بانک، به‌طور عمده تضمین بازپرداخت منابع بانک به‌همراه سود بوده و نظارت خاصی در رابطه با اجرای ضوابط شریعت در عقد مشارکت مدنی وجود ندارد. (موسویان و میثمی: ۱۴۰۰، ص. ۱۴۸) به‌بیان دیگر، در قرارداد مشارکت مدنی لازم است نظارت شرعی بر این عقد در چهار مرحله صورت پذیرد که عبارتند از: نظارت پیش از عقد قرارداد، نظارت در زمان انعقاد قرارداد (نظارت بر تفهیم)، نظارت بر اجرای پروژه و در نهایت نظارت بر تسویه یا امهال قرارداد. اما در قرارداد مرابحه پروژه‌ای صرفاً به نظارت شرعی در دو سطح اول (نظارت پیش از قرارداد و نظارت در زمان انعقاد قرارداد) نیاز است و این قرارداد ذاتاً نیازی به نظارت پسین نخواهد داشت. این موضوع سبب ساده بودن اجرای شرعی قرارداد مرابحه پروژه‌ای در مقایسه با مشارکت مدنی می‌شود.

---

[۱] منظور از زیان از منظر فقه اسلامی، ایجاد خسارت در رابطه با اصل تسهیلات است، نه عدم‌النفع (سود). در این رابطه، قاعده فقهی خاصی وجود دارد که بیان می‌کند: «عدم‌نفع از معامله، زیان محسوب نمی‌شود». [**عدم‌النفع لیس** بضرر] (مکارم شیرازی: ۱۳۷۶، ج. ۲، ص. ۵۶۸)

[2] Choudhury

شناسایی سود در دوره اجرای پروژه

به‌صورت طبیعی، اجرای هر پروژه اقتصادی دارای «مرحله اجرای پروژه» و «مرحله بهره‌برداری» است. طبعاً در طول دوره اجرای پروژه، سود شکل نمی‌گیرد تا بخشی از آن بخواهد به‌عنوان سهم بانک محاسبه شود. اما عموماً در قراردادهای مشارکت مدنی، بانک‌ها از زمان انعقاد قرارداد نسبت به‌شناسایی سود اقدام می‌کنند. به‌نظر می‌رسد منطق طبیعی عقد مشارکت مدنی آن است که محاسبه سود پس از مرحله بهره‌برداری انجام شود که پروژه به‌سوددهی رسیده است. بنابراین، بانک در دوره اجرای پروژه مبنای مشارکت، نسبت به‌شناسایی سود اقدام می‌کند که چندان با ماهیت عقد مشارکت مدنی سازگاری ندارد. (موسویان: ۱۳۹۰، ص. ۱۶۵)

برخلاف عقد مشارکت مدنی، در قرارداد مرابحه پروژه‌ای هم‌زمان با انعقاد قرارداد و خرید کالا، عقد مرابحه اتفاق می‌افتد و بنابراین، شناسایی سود برای کل دوره قرارداد به‌لحاظ شرعی امری کاملاً مشروع و مجاز است. پس، از منظر شناسایی سود، عقد مرابحه پروژه‌ای نسبت به‌مشارکت مدنی در سطح بالاتری قرار می‌گیرد.

جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

این تحقیق تلاش کرد تا با مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل فقهی، راهکار استفاده از «مرابحه پروژه‌ای» را به‌عنوان نسل جدید کاربرد عقد مرابحه در شبکه بانکی کشور مورد بحث قرار داده و ابعاد، کارکردها و مدل عملیاتی آن را بررسی کند. همچنین، به مقایسه تطبیقی مرابحه پروژه‌ای با عقد مشارکت مدنی (به‌عنوان مهم‌ترین قالب حقوقی متعارف برای تأمین مالی پروژه‌ها در شبکه بانکی کشور) اقدام کند. این مقایسه از منظر ۹ معیار انجام شد که عبارتند از: وجود نرخ ثابت از پیش تعیین شده، ضرورت بررسی شایستگی اعتباری تسهیلات‌گیرنده و ارزیابی فنی پروژه، تضمین بازپرداخت اصل و سود، ضرورت قیمت‌گذاری موضوع معامله، مشارکت بانک در زیان، نظارت بر اجرا و خاتمه پروژه، شناسایی سود در دوره اجرای پروژه، دریافت وثیقه از مشتری در رابطه با اصل، سود، وجه التزام و غیره و در نهایت تفهیم ماهیت و ارکان اصلی قرارداد به‌تسهیلات‌گیرنده.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عقد مرابحه پروژه‌ای به‌عنوان یک روش اجرایی جدید برای کاربرد مرابحه در چهارچوب بانکداری اسلامی مورد تأیید فقه امامیه بوده و می‌تواند به‌صورت گسترده در شبکه بانکی برای تأمین مالی تولید و بخش حقیقی اقتصاد مورد استفاده قرار گیرد. در واقع، همان‌طور که عقد مرابحه در سطح خُرد برای تأمین مالی اشخاص حقیقی به‌صورت کارت اعتباری مرابحه

ظرفیت استفاده دارد، می‌تواند در سطح کلان برای تأمین مالی پروژه‌ها و هدایت نقدینگی به‌سمت تولید مورد استفاده قرار گیرد. همچنین، عقد مرابحه پروژه‌ای می‌تواند تا حد زیادی جایگزین عقود مشارکت مدنی، استصناع، مضاربه، فروش اقساطی و جعاله در حوزه تأمین مالی تولید باشد و از این منظر به‌کاهش هزینه‌های مالی و ساده‌سازی فرایندهای بانکی اعطای تسهیلات کمک کند.

به‌ویژه اینکه به‌لحاظ شرعی، عقد مشارکت مدنی هیچ‌گونه مزیتی نسبت به عقود مبادله‌ای (مانند مرابحه) نداشته و بنابراین، اصرار و تعصب ورزیدن بر اجرای ناصحیح عقود مشارکتی در حالی که جایگزین‌های نزدیک و منطبق با شریعت وجود دارد، منطقی به‌نظر نمی‌رسد. استفاده از عقد مرابحه پروژه‌ای سبب می‌شود که قالب حقوقی قرارداد با انگیزه و قصد اصلی طرفین، یعنی تأمین مالی با «نرخ سود ثابت و از پیش تعیین‌شده»، سازگاری بهتری پیدا کند.

با توجه به‌یافته‌های این تحقیق، **توصیه سیاستی** قابل‌استخراج برای سیاستگذاران نظام بانکی کشور آن است که از عقد مرابحه پروژه‌ای به‌عنوان جایگزین (و دست‌کم مکمل) عقودی مانند مشارکت مدنی در حوزه تولید، استفاده شود. به بیان دیگر، بهتر است مشارکت مدنی صرفاً در رابطه با پروژه‌های خاصی مورد استفاده قرار گیرد که بانک از سوددهی آن‌ها اطمینان بالایی داشته باشد و حقیقتاً قصد مشارکت در سود و زیان دارد. بنابراین، در رابطه با عمده سایر پروژه‌ها که نیت طرفین صرفاً تأمین مالی با نرخ سود ثابت (و دست‌کم پذیرش ریسک) است از عقد مرابحه پروژه‌ای استفاده شود.

منابع و مآخذ

۱- انصاری، م. (۱۴۰۶ ق.)، ***المکاسب***. ج. ۳، قم: مجمع‌الفکر الاسلامی.

۲- تسخیری، م. ع. (۱۳۷۹) «کارت‌های اعتباری»، ***فصلنامه فقه اهل بیت***، ۲۴.

۳- دبیان، م.؛ موسویان، س. ع. (۱۳۹۲)، ***کارت‌های اعتباری و انطباق‌پذیری فقهی***. مترجم ر. محبی‌مجد. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.

۴- ذوالفقاری، الف.؛ مروی، ر.؛ توتونچیان، الف. (۱۳۹۹)، «نقش حافظه سیستم در اجرای صحیح قرارداد مشارکت بانکی در نظام بانکداری اسلامی»، ***دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی***، ۲۵.

۵- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ ق.)، ***المیزان فی تفسیر القرآن***. ج. ۲، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

۶- عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۹ ق.)، ***وسائل الشیعه***. ج. ۲، قم: مؤسسه آل‌البیت.

۷- فراهانی‌فرد، س. (۱۳۹۱)، ***سیاست‌های پولی در بانکداری بدون ربا: بررسی فقهی-اقتصادی***. قم: بوستان کتاب.
۸- مصباحی مقدم، غ. و نعمتی، م. (۱۳۹۷)، «تحلیل فقهی-حقوقی برخی از مواد قرارداد مشارکت مدنی بانکی»، **فصلنامه پژوهشنامه میان‌رشته‌ای فقهی**، ۱۳.
۹- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۶)، **ربا و بانکداری اسلامی**. گردآوری ا. علیان‌نژادی. قم: انتشارات حوزه امام علی (ع).
۱۰- مکارم شیرازی، ن. (۱۴۱۳ ق.)، **انوار الفقاهه: البیع**. قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع).
۱۱- موسوی خمینی، ر. (۱۴۲۱ ق.)، **البیع**. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۲- موسویان، س. ع و میثمی، ح. (۱۴۰۰)، ***بانکداری اسلامی (۱): مبانی نظری-تجارب عملی***. ویرایش ششم. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
۱۳- موسویان، س. ع. (۱۳۹۰)، ***ابزارهای مالی اسلامی***. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۴- موسویان، س. ع. (۱۳۹۰)، ***طرح تحول نظام بانکی: اصلاح قانون و الگوی بانکداری بدون ربا***. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۵- موسویان، س. ع.، و احمدی، س. (۱۳۹۰) «بررسی تطبیقی مدل‌های عملیاتی کارت اعتباری در بانکداری اسلامی»، ***فصلنامه اقتصاد اسلامی***، ۴۳.
۱۶- میثمی، ح. (۱۴۰۱)، «آسیب‌شناسی مشارکت مدنی در بانک‌های توسعه‌ای براساس نظر خبرگان و ارایه مرابحه پروژه‌ای به‌عنوان جایگزین»، ***دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی***، شماره دوم، ص. ۷۳۶.
۱۷- میثمی، ح.؛ ملاکریمی، ف. (۱۳۹۹)، «ارایه روش جدید کاربرد عقد مرابحه در شبکه بانکی با رویکرد قسطبندی متفاوت اصل و سود تسهیلات»، ***(گزارش پژوهشی شماره ۹۹۰۸)***. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
۱۸- نجفی، م. ح. (۱۴۱۷ ق.)، ***جواهرالکلام فی شرح شرائع الأسلام***. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
۱۹- نظرپور، م.، و ملاکریمی، ف. (۱۳۹۷)، ***کاربرد قواعد فقهی در نمونه‌ای از قراردادهای بانکی***. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
1- Choudhury, M. (2021) Islamic Economics as Mesoscience: A New Paradigm of Knowledge. Berlin: Springer.
2- Hassan, A.; Almaghaireh, A.; Islam, M. (2022) Islamic Financial Markets and Institutions. London: Routledge.

3- Maghrebi, N.; Mirakhor, A. (2015) Risk Sharing and Shared Prosperity in Islamic Finance. ***Islamic Economic Studies***, Vol. 23, No. 2.
4- Meisamy, H.; Gholipour, H. (2020) Challenges Facing Islamic Banking In Iran: Evaluation and Policy Implication, ***Journal of Islamic Monetary Economics and Finance***, Vol. 6, No. 3 (***journal of the Central Bank of Indonesia)***.